



Research Paper

Recognition Architectural Structure of Alishah Mosque in Tabriz, in Continuity the Tradition of Large - Scale Building in the Ilkhani Period

Amin Moradi ^{*1}, Behrooz Omrani²¹ Ph.D Candidate, Hamblet Foundation, Otto Friedrich Bamberg University, Bamberg, Germany.² Assistant Professor of Archaeological Research Institute of Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism, Tehran, Iran.

10.22080/JIAR.2020.3095

Received:

May/07/2024

Revised:

Jul/31/2024

Accepted:

Sep /11/2024

Keywords:Alishah Mosque,
Historical texts, Ilkhanid
architecture, massive
architecture

Abstract

The politics of Ilkhanids dominating Iran in the 8th Century AH, resulted in an architectural form which its prominent feature was the massive size compared to their earlier buildings. In this era, the prevailing thought was that smaller sponsors should do smaller buildings, thus, we have an orderly sequence of three massive building complexes of Ghazania, Soltaniya and Alishah building. The resulted buildings could be identified as the appearance of the high ambitions of the Ilkhanid court in contrast to the existing circumstances of Iranian architecture. Although the geographic and political aspects of the Soltaniya area made it relatively easy to study the spatial structure of the building, the increase in our understanding of the two other buildings will be due to the study of historical records and comparing to the remaining archaeological evidence. The following article focuses on the historical records regarding the Alishah building in Tabriz and tries to compare the information driven from these texts to the results drawn from the excavations, to understand the architectural form, spatial and practical structure of this building. This article shows that unlike the common belief, Alishah not only had the biggest brick arch in the world but it also had the greatest prayer halls beneath the dome in the Islamic world. Further, with the roofed shabestan, prayer hall, mihrab and minaret, and also based on the historical texts this building could be identified as a mosque.

***Corresponding Author:** Amin Moradi**Address:** Ph.D Candidate, Hamblet Foundation, Otto Friedrich Bamberg University, Bamberg, Germany.**Email:** Aminmoradi66@yahoo.com**Tel:** 09124094972



بازشناسی ساختار معماری "مسجد علیشاه تبریز" در تداوم جنبش بزرگ مقیاس سازی دوره ی ایلخانی

امین مرادی^{۱*}، بهروز عمرانی^۲

^۱ کارشناس مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی- دانشجوی دوره دکتری باستان شناسی دوران اسلامی دانشگاه مازندران.
^۲ عضو هیئت علمی پژوهشکده‌ی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.



10.22080/JIAR.2020.3095

چکیده

سیاست حاکم بر جامعه‌ی ایرانی طی قرن ۸ ه.ق، به حاکمیت ایلخانان، ساخت و سازهایی بر بدنه‌ی شهری مناطق تحت تسلط تحمیل کرده است، که ویژگی عمده‌ی آن را تلاش در جهت تجربه‌ی بزرگترین مقیاس ممکن در رویارویی با نمونه‌های معماری قبل از خود دانسته‌اند. در همین راستا، طی دوره‌ی مزبور، تقابل با این ذهنیت که بنیان کوچکتر باید خود را با بناهای کوچکتر قانع کنند، توالی منظمی از سه مجموعه‌ی ساختمانی غول آسا، غازانیه، سلطانیه و بنای علیشاه را در پی داشته است؛ به همین سبب، نتایج حاصل از طراحی و اجرای آنها را باید واکنشی ایلخانی-که بلند پروازی جاه طلبانه‌ی خود را مرهون حمایت سلطنتی و بزرگ اندیشی معمار هستند- نسبت به وضع موجود حاکم بر بناهای ایرانی دانست. هرچند وضعیت سیاسی و جغرافیای طبیعی سلطانیه، ضمن حفظ ساختار معماری آن، مطالعه‌ی ساختار فضایی آن را تاحدی تسهیل کرده است، با این حال در رابطه با دو نمونه‌ی دیگر، ترفیع کمبود اطلاعات معماری مرتبط با شناخت حجم کلی بنا، مدیون تحلیل متون تاریخی و تطبیق آن با شواهد باستان شناسی خواهد بود.

تحقیق پیش رو برآن است تا به روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و بازبینی اسناد تاریخی مربوط به بنای علیشاه در تبریز و انطباق آن با نتایج حاصل از کاوش محوطه‌ی علیشاه، به تبیین فرم معماری، ساختار فضایی و کاربری آن بپردازد. مطابق نتایج به دست آمده و بر خلاف نظر محققان، چنین به نظر میرسد، نه تنها بزرگترین تاق آجری اجرا شده در جهان، بلکه یکی از بزرگترین گنبدخانه‌های سرپوشیده جهان اسلام در بنای علیشاه بنا شده است. از طرفی، وجود شبستان سرپوشیده در راستای انطباق با اقلیم آذربایجان، گنبدخانه، محراب و مناره، ضمن تأیید اشارات مستقیم متون تاریخی در رابطه با کاربری بنا، مبنی بر "مسجد" بودن بنای علیشاه، راهگشای تکمیل داده‌های معماری به دست آمده خواهد بود.

دریافت:

۱۴۰۳/۰۲/۱۷

بازنگری:

۱۴۰۳/۰۵/۰۹

پذیرش:

۱۴۰۳/۰۶/۲۰

کلیدواژه‌ها:

مسجد علیشاه، متون تاریخی، معماری ایلخانی، معماری بزرگ مقیاس.

* نویسنده مسئول: امین مرادی

آدرس: کارشناس مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی-

دانشجوی دوره دکتری باستان شناسی دوران اسلامی دانشگاه مازندران.

ایمیل: Aminmoradi66@yahoo.com

تلفن: ۰۹۱۲۴۰۹۴۹۷۲



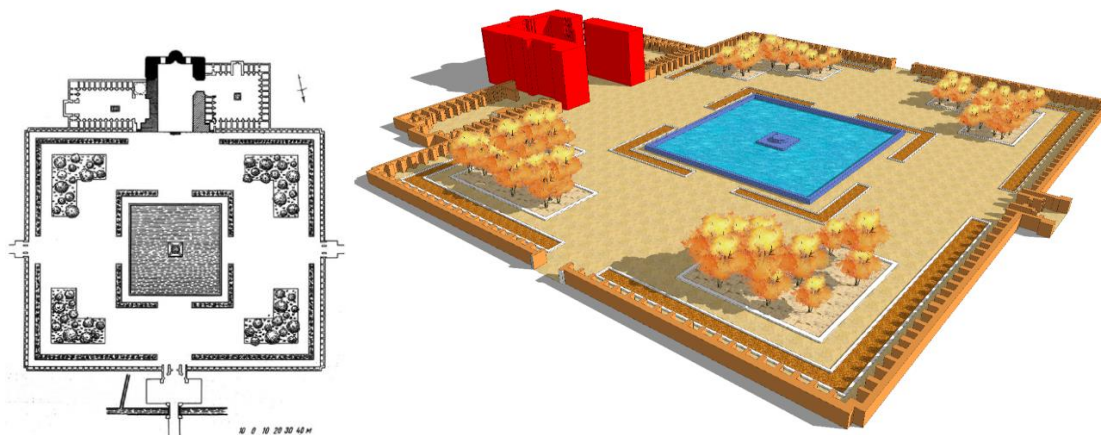
۱ مقدمه:

کاوش باستان‌شناسی دکتر علی اکبر سرفراز در دهه‌ی ۱۳۵۰ ه.ش، راهگشای افق جدیدی پیرامون بازشناسی بنای عیشاه تبریز بوده است، تا آنجاکه آثار و بقایای معماری مکشوفه از کاوش، پرسش‌های جدیدی در رابطه با ماهیت و کاربری این بنای عظیم برانگیخت (منصوری و آجورلو، ۱۳۸۲). این عملیات در صحن مرکزی بنا و از آثار سطحی دوره‌ی قاجار شروع میشد (عمرانی و اسمعیلی، ۱۳۸۵: ۱۷۲). تمامی گزارش‌های تاریخی عهد قاجار از بنای مزبور با عنوان "ارک شهر" و "قلعه تبریز" یاد کرده‌اند (آجورلو و نعمتی بابایلو، ۱۳۹۲)؛ برپایه شواهد موجود، در فرآیند محراب در ابتدا آثار معماری آجری وجود داشته که احتمالاً بر اثر زلزله و یا ریزش رأس دیوارهای بنا ویران شده است؛ آنگاه پس از تسطیح آجرهای فرو رفته، که قشری در حدود یک متر بود، آثار معماری قاجاری را شامل تاق‌های قوس‌دار بر جرزهای مکعب ایجاد کرده‌اند (همان). مطابق نتایج به دست آمده چنین به نظر می‌رسد که مدتها محوطه‌ی بنا بصورت متروک بوده و سپس اقدام به احداث ساختمان‌هایی در دوره‌ی قاجار کرده‌اند که اولین پی ساختمانی به منظور ساختن انبار و مخزن ذخیره‌ی آذوقه و غلات ایجاد شده است. نادر میرزا در این زمینه مینویسد: «... اسلحه و مهمات و غلات دولتی در آن [مسجد عیشاه] انبار کنند» (نادر میرزا، ۱۳۵۱: ۱۰۷). بدین ترتیب در پی کشمکش‌های سیاسی دوره‌ی قاجار در منطقه‌ی آذربایجان و ضرورتی که ایجاد میشود، بنای عیشاه، تحت تأثیر ساخت و سازهای جدید مربوط به دوره‌ی مزبور قرار می‌گیرد و اقدام به ایجاد کوره‌های متعدد ذوب سنگ آهن و تجهیزات مربوط به کارگاه‌های توپسازی در آن میشود (عمرانی و اسمعیلی، ۱۳۸۵: ۱۷۴). پس از لایه‌ی مزبور، کشف آثار معماری مربوط به بنایی در قسمت شمالی بقایای امروزی بنای عیشاه- شامل پلان مستطیل شکل با دو دیوار ستبر به عرض

۱۲ متر- مهم‌ترین یافته‌ی باستان‌شناسی در رابطه با بنای عیشاه را تشکیل میدهد (منصوری و آجورلو، ۱۳۸۲). هرچند نتایج حاصل از کاوش بنای عیشاه نشان دهنده ارتباطات فضایی بقایای امروزی و پلان مکشوفه‌ی قسمت شمالی آن بوده است؛ با این حال، توضیح حجم معماری مجموعه و تطبیق یافته‌های کاوش و متون تاریخی، موضوعی است که کمتر بدان پرداخته شده است؛ از طرفی تنوع نظرات احتمالی ارائه شده از سوی محققان تاریخ معماری بر پیچیدگی‌های این امر افزوده است؛ از این منظر، تلاش در جهت تبیین فرم معماری بنای عیشاه ضمن تطبیق بقایای باستان‌شناسی و اسناد تاریخی مربوط به آن از نخستین اقدامات صورت گرفته در این زمینه خواهد بود.

۲ پیشه تحقیق:

هرچند پوپ، کوشیده است تا بنای عیشاه را بقایای مسجد جامع عیشاه معرفی کند (Pope, 1969)، با این حال وی در ارائه مشخصات فیزیکی بنا دقت نکرده و مباحث استاتیک را مد نظر قرار نداده است؛ از طرفی توضیحات وی در رابطه با موقعیت مدرسه، با گزارشات ابن بطوطه همخوانی ندارد (منصوری و آجورلو، ۱۳۸۲). ویلبر در سال‌های ۱۳۱۶ تا ۱۳۱۸ ضمن مطالعه و بررسی بنای عیشاه، آن را بقایای مسجد جامع عیشاه پنداشته و نتایج مطالعات خود را در کتاب معماری اسلامی ایران در دوره‌ی ایلخانان منتشر کرده است (همان). با این حال در طرح بازسازی وی از بنای عیشاه، تنها اسناد تاریخی محور قضاوت هستند و نه شواهد معماری. از طرفی وی در حل مسئله مناره‌ها ناموفق بوده است و به ناچار برج پشت محراب را مناره معرفی کرده است و در طرح فرضی وی تقارن و تناسبات رایج در معماری مساجد ایرانی وجود ندارد (تصویر ۱) (همان).

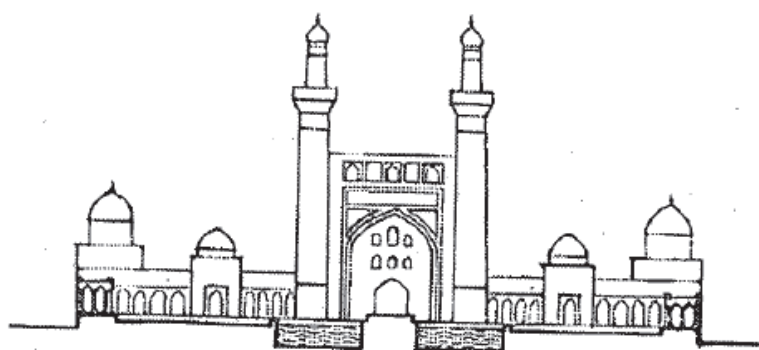
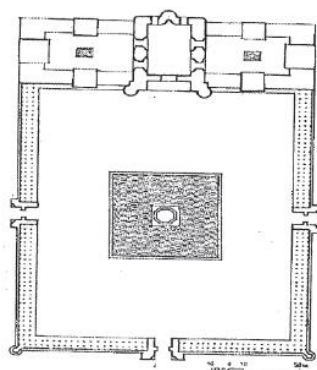


تصویر شماره ۱- چپ: طرح فرضی ویلبر در رابطه با بنای عیشاه (ویلبر، ۱۳۶۵، ۳۰۸)؛

و حجره‌هایی در پیرامون آن را فراگرفته است؛ با این حال، باز آفرینی کاربری‌های جانبی، همچنین وجود دو مناره‌ی رفیع بر سردر ورودی بنا کاملاً تصادفی بوده و هیچ سندی در رابطه با آن ارائه نشده است (تصویر ۲) (Qiyasi, 1997)؛ منصوری و آجرلو، ۱۳۸۲).

چپ: طرح سه بعدی بنای عیشاه بر اساس نقشه ارائه شده توسط ویلبر (نگارندگان، ۱۳۹۴)

غیائی، همچون ویلبر بقایای امروزی بنای عیشاه را جزئی از مجموعه‌ای عظیم معماری متصور شده است که بنا، توسط دو کاربری پیرامونی احاطه شده



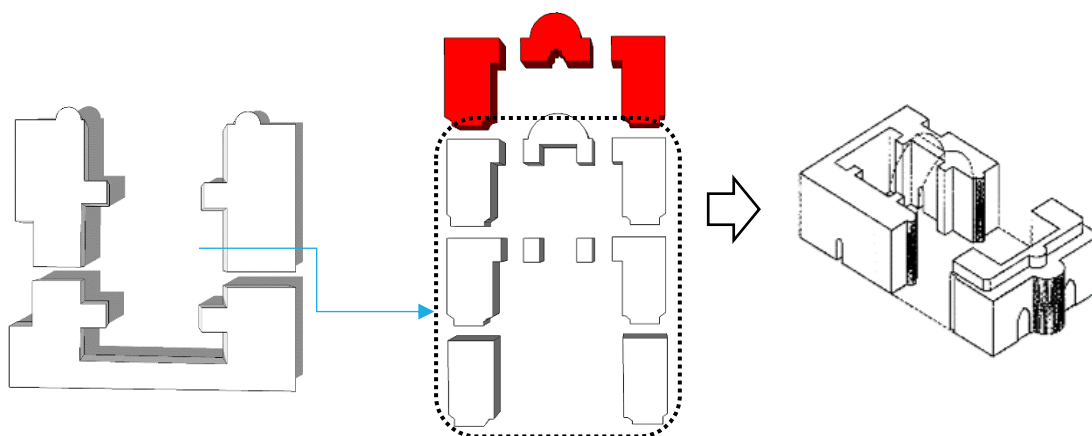
تصویر شماره ۲- طرح بازآفرینی بنای عیشاه توسط دکتر جعفر غیائی (منصوری و آجرلو، ۱۳۸۲).

مدرسه و خانقاه‌ها دانسته اند. در همین راستا، همراهی این بنا با مدرسه و خانقاه (ن.ک ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۵۸)، همچنین رفعت و عظمت معماری آن، فرضیه‌ی "یادمان آرامگاهی" برای کارکرد اصلی معماری عیشاه را به وجود آورده است (ن.ک. منصوری و آجرلو، ۱۳۸۲)؛ تا آنجا که پیرامون کارکرد

مطابق نظر منصوری و آجرلو، بنای عیشاه در اصل از الحاق و به هم پیوستگی دو بنای جداگانه شکل گرفته که بنابر شواهد باستان‌شناختی ساختمان آن ناتمام مانده است (منصوری و آجرلو، ۱۳۸۲). از سوی دیگر، محققان مذکور طراحی معماری این بنا را فاقد تناسبات معماری رایج در مساجد، مصلی،

ضلع شرقی آن قرار داشته در آمده است. مطابق نظر ایشان، ابوسعید به پاس خدمات علیشاه، پس از اتمام ساختمان مسجد علیشاه، بنای آرامگاهی علیشاه را توسعه داده و تغییر طرح معماری این بنا و الحاق ایوان ارک کنونی به آن می‌تواند با هدف اختصاص این آرامگاه به شخص ابوسعید و یا تدفین وی در جوار علیشاه وزیر باشد (تصویر ۳) (همان).

اصلی بنای علیشاه چنین نوشته‌اند که بقایای مربوط به بنای علیشاه، مربوط به بخش اضافه شده به آرامگاه نیمه‌تمام تاج‌الدین علیشاه است که در شمال با پلانی مستطیل شکل، دو مناره و صفه‌ای بلند در سمت قبله در دست ساخت بوده است. به دلایل نامعلوم، آرامگاه تغییر طرح یافته و با الحاق ایوانی رفیع در سمت جنوب، به صورت بخشی از مجموعه‌ی تدفینی علیشاه، که مسجد علیشاه در



تصویر ۳- چپ: پلان بنای شمالی قدیمی مکشوفه از کاوش سال ۱۳۵۰؛ وسط: طرحی از روند شکل‌گیری بنای علیشاه تبریز مطابق نظر منصوری و آجورلو؛ به طوریکه با حذف مناره‌ها، بقایای امرزی معروف به ارک را بدان افزوده‌اند؛ از طرفی، جرز جنوبی قسمت شمالی جزئی از دخل و تصرفات معماری می‌باشد، چراکه قطر آن با ضخامت دیوارهای شرقی و غربی همخوانی ندارد. راست: طرحی از چگونگی به هم پیوستن دو بنای شمالی قدیمی و ایوان ارک تبریز از نظر منصوری و آجورلو (منصوری و آجورلو، ۱۳۸۲).

بنا را ارک مینامند، ولی نام صحیح آن، یعنی مسجد جامع علیشاه، از زمان ساختمان‌ش تا لااقل اواخر قرن هفدهم به کار برده می‌شد. تاج‌الدین علیشاه جیلان تبریزی، وزیر اولجایتو، از حامیان معروف معماری به شمار می‌آمد. به دستور او مسجدی در تبریز ساخته شد و محتمل به نظر می‌رسد که مسجد مزبور بین سال‌های ۱۳۱۰ و ۱۳۲۰م. ساخته شده باشد. یکی از منابع اشاره می‌دارد که علیشاه خود نقشه‌ی بنا را طراحی کرده است... حمدالله مستوفی، که در سال ۱۳۳۵م. کتاب خود را نوشته، چنین اظهار می‌کند که قسمت داخلی مسجد جامع، که توسط علیشاه در تبریز ساخته شده، بزرگتر از ایوان مداین بود؛ از طرفی شاردن؛ که کتاب خود را قبل از ۱۶۷۳م. نوشته

۳ تحلیل بر اسناد تاریخی پیرامون بنای علیشاه تبریز:

ویلبر در اثر شایسته خود تحت عنوان معماری اسلامی ایران در دوره‌ی ایلخانان، ضمن جمع‌آوری اطلاعات گذشتگان، در رابطه با بنای علیشاه چنین مینویسد: «در نزدیکی مرکز شهر جدید تبریز خرابه‌های دیوارهای عظیم ساختمان قدیمی دیده می‌شود که اکنون محل سینمای روباز است. چند دهه قبل از این، ساختمان به عنوان قلعه مستحکم استفاده می‌شد و گلوله‌های توپ، که در قرن هجدهم به آن انداخته شده‌اند، فقط آسیب مختصری بر دیوارهای عظیم آن وارد آورده است. اهالی محل این



است، مسجد علیشاه را شرح داده و در تصویری که با همه‌ی جزئیات از شهر تبریز کشیده، ساختمان فعلی را به همین نام خوانده و علامت گذاشته است (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۵۸). این بطوطه در رابط با این بنا چنین نوشته است: «...در خارج در سمت راست شخصی که رو به قبله ایستاده، مدرسه و در سمت چپ زاویه قرار داد». صحن باز جلوی مسجد علیشاه شامل ناحیه بسیار بزرگی بود. صحن از مرمر فرش شده و دیوارها از قاشانی (کاشی) پوشیده شده است و چوبی از میان آن میگذشت و در داخل صحن درخت گل و مو وجود دارد (همان، ۱۶۰).

بازرگانان ونیزی صحن مسجد را به این ترتیب شرح میدهند: «... در اطراف آن با سنگ‌های عالی طاق‌هایی ساخته شده که ستون‌های مرمر آن‌ها را نگه داشته است. این ستون‌ها به قدری عالی و شفاف هست که به بلور شباهت دارند و ضخامت و ارتفاع همه آنها یکسان است و بلندی آنها در حدود پنج یا شش قدم است... در کنار در اصلی مسجد جوئی زیر تاق‌های سنگی جریان دارد. در وسط بنا چشمه‌ی بزرگی است... یکصد قدم طول دارد و به همین اندازه عرض آن است و در وسط شش پا عمق دارد (همان).

با این حال توضیحات ویلبر در رابطه با مناره‌های بنای علیشاه به نتیجه روشنی منتهی نمیشود. وی در این مورد مینویسد: «... اشارات متعددی که به مناره یا مناره‌های ساختمانی و سه درگاه آن شده، نه دقیق است و نه روشن. ممکن است در بالای هر دیوار کنار ایوان یک مناره رو به بالا میرفته یا اینکه بر آمدگی پشت محراب ایوان ممکن است پایه‌ی یک مناره بلند بوده است. شاردن در این مورد میگوید: ... مسجد علیشاه کاملاً خراب شده است و فقط قسمت پایین آن را، که مردم برای نماز به آن میروند، و برج را، که بسیار بلند و برای مسافری که از ایروان میآید اولین چیزی است که دیده میشود، تعمیر کرده اند» (همان).

بازرگان ایتالیایی سردر مسجد را شرح داده و میگوید: «...این مسجد سه در دارد که تنها دو تای

آنها مورد استفاده و دارای تاق هستند. این درها چهار قدم عرض و بیست قدم بلندی دارند و یک ستون دارند که از مرمر نیست، بلکه از سنگ‌های به الوان مختلف است. بقیه تاق با طبقات گچ تزئین شده و از آن ساخته شده است. در هر درگاه لوحه‌ای از مرمر شفاف است... حتی از مسافت یک میل این لوحه‌ها را که از هر طرف سه یارد هستند دیده میشود. دری که باز و بسته میشود سه یارد عرض و پنج یارد بلندی دارد و از الوارهای بزرگ ساخته شده و روی آن قطعات بزرگ برنز که صیقلی و مطلا شده کوبیده‌اند» (همان، ۱۶۱).

دیالافوآ در رابطه با موقعیت شهری بنای علیشاه مینویسد: «... این بنای با عظمت که بیش از بیست متر ارتفاع دارد و قبل از ورود به شهر هم در فاصله زیاد نظر مسافرین را جلب میکند، در مرکز میدان وسیعی قرار گرفته است و از دیواری محصور گردیده و دارای برج‌های مرتفعی است و اطراف آن خندق عریض و عمیقی بود که اکنون یک قسمت آن پر شده است» (دیالافوآ، ۱۳۴۸، ۵۵).

نادر میرزا در رابطه با مشخصات فنی ساختمان علیشاه مینویسد: «...اکنون آنجا را آرک نامند. اسلحه و دولت و غلات را انبار است. این مسجد را علیشاه، وزیر کجیلان لقب داشت بنیاد نهاده... بفرمان پادشاه آن را عمارت کرد و به اتمام آن تعجیل کرد. چون گنبد آن مسجد عمارت کردند، بنیان که تازه بود و هنوز سخت نشده فرو نشست و طاق بشکست (نادر میرزا، ۱۳۵۱، ۱۰۵).

در ادبیات نگارشی نادر میرزا، اشاره به گنبدی مجزا از طاق علیشاه شده است. مطابق اسناد تاریخی با معرفی کاربری بنای علیشاه به عنوان مسجد، یکی از نکات مبهمی که در رابطه با آن به نظر میرسد نبود گنبد، شاخصه‌ی مسجدی به آن عظمت بوده است. هیلن براند در رابطه با عناصر فضایی مساجد و ترکیب آنها در معرفی گونه‌ی مذهبی مسجد چنین آورده است:



هدایتگر محرومند، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. گنبد در مسجد ثابت کرد که پایدارترین و فراگیرترین وجه معماری قرون وسطای اسلامی است و فایده‌ی آن به عنوان علامت مشخصه، به تدریج آنچنان اعتباری کسب کرد که موجب شد این فکر در مقیاس وسیع‌تری کاربرد پیدا کند (هیلن براند، ۱۳۹۱: ۵۳). از این رو گنبد را باید شاخصی معماری مذهبی و مهم‌ترین عنصر معماری برای مشخص کردن کارکرد مذهبی یک بنا دانست (Snyder, 1989:201) تا جایی که نبود آن سازمان فضایی گونه‌های مقدس نیایشگاهی را تحت تأثیر قرار خواهد داد (Grupico, 2011).

یکی از مهم‌ترین اسناد تاریخی در رابطه با مطالعه‌ی نمونه‌های معماری و بقایای شهری تبریز، اسناد تصویری مربوط به مطراقچی^۱ می‌باشد. با مطالعه مینیاتور ترسیم شده توسط مطراقچی و جانمایی عناصر شهری موجود در نقشه‌ی وی در بافت امروزی شهر تبریز - که در دقت بالایی به طور صحیح جانمایی شده‌اند، ضمن اینکه جهت نقشه شمال غربی - جنوب شرقی خواهد بود، در ضلع جنوب‌شرقی شهر و در برابر مسجد کبود، تصویری از بنای رفیعی وجود دارد که با موقعیت مکانی امروزی مسجد علیشاه مطابق و به لحاظ ارتفاعی جزء بلندترین هاست (تصویر۴). چنین به نظر می‌رسد، موقعیت قرارگیری آن در نزدیکی باروی شهری و در فاصله‌ی کمی از دروازه‌ی شهری، منجر به پدیدار گشتن بنا و مناره‌های آن در اولین مرحله برای کسی باشد که قصد ورود به شهر را داشته باشد، و این با توضیحات شاردن و ویلبر مطابق خواهد بود. هرچند مطابق توصیفات جهانگردان، مسجد علیشاه دارای دو مناره‌ی رفیع می‌باشد، با این

«... مسجد در شکل اصلی خود بدون بهره‌گیری از این تأثیرات قادر بود که وظیفه‌ی خود را به خوبی انجام دهد. ولی شکی نیست که ترکیب آنها در طرح مسجد به طور اساسی موجب گسترش بعدی آن در تمامی جنبه‌ها شد. این وجوه جدید شامل پنج عنصر بودند: «محراب» یا طاق نمای نماز، «منبر» یا راهرو بالا آورده میانی شبستان، و «گنبد». تمامی این عناصر پنجگانه با درجه اهمیت برابر باقی ماندند...» (هیلن براند، ۱۳۹۱: ۴۴-۴۵). وی در ادامه و در رابطه با جایگاه گنبد روی محراب یا روی دهانه پیش از محراب در مساجد شکل گرفته‌ی پس از صدر اسلام چنین مینویسد: «... معماری رومی بطور قاطعانه نقش افتخار آمیز شخصیت گنبد را با شرف دادن به مکان آن در معماری کاخ‌ها پایدار کرده است و تصادفی نیست که عظیم‌ترین بنای مذهبی رومی، یعنی پانتئون، گنبد را نقطه کانونی خود قرار دهد. البته گنبد در کلیساها و صومعه‌ها انگاره‌ی جا افتاده‌ای بود. از این رو است که کاربرد آن در مساجد و بطور اتفاقی در موقعیت‌های کلیدی، در کاخ‌های اسلامی یک انتقال طبیعی است. در یک مسجد، بدیهی است که حضور یک گنبد تمام عیار اگر نگوئیم بیانی از نمادگرایی سیاسی یا مذهبی است، قطعاً تأکیدی بر یک کانون عبادی هست. با توجه به این واقعیت که محراب اساساً بخشی از انتظام داخلی مسجد است و وضعیت آن از طرف خارج قابل تشخیص نیست، لذا ارزش گنبد به عنوان نشانه‌ی خارجی آن کاملاً واضح است. علاوه بر آن، شکل گنبد همراه با پیوند غنی و ذاتی این جهانی آن تأکید بر نقش شاهوار محراب دارد. و بلاخره گنبد موقعیت قبله را مشخص می‌سازد و همین امر در بافت‌های شلوغ شهری که بدون آن از نقاط ثابت

یاد دهخدا این اطلاعات را درباره او به دست داده است: «نصوح بن قره گوزین عبدالله. اوراست: جمال الکتاب و کمال الحساب در علم حساب که به زبان ترکی به سال ۹۳۳ ه.ق برای سلطان سلیم بن بایزید تصنیف کرده است» (مطراقچی، ۱۳۷۹: ۹)

۱ - مطراقچی از مردان ذوفنون عثمانی روزگار سلطنت سلطان سلیم و سلطان سلیمان قانون است. او ضمن آنکه ریاضی دان، مورخ و نویسنده به شمار آمده، در خطاطی و نقاشی نیز ید طولانی داشته، در عین حال سلحشور و استاد مطراقبازی بوده و لقب مطراقچی هم به همین مناسبت به او داده شده است. اگرچه در ایران چندان معروفیتی نداشته و ندارد، در هرحال زنده

در صورت نشست تاق و گنبد و تخریب آن، مطرحی اقدام به بازآفرینی گرافیکی آن کرده است؛ با این حال فرضیه‌ی اول محتمل‌تر خواهد بود، چراکه مطرحی در آثار خود اقدام به بازآفرینی واقعیت‌ها کرده است و تا جای ممکن هیچ دخل و تصرفی در نمایش آثار معماری و شهری نکرده است. با تجمیع کلیه توصیفات صورت گرفته در رابطه با بنای علیشاه مبنی بر اینکه آنجا مسجدی بوده که بعدها کاربری ارک به آن داده شده، تنها چیزی که معماری آن را به کمال مطلوب نزدیک میکرده است، عنصر گنبد در کنار دیگر عناصر بوده است و مهندس پروژه بر این امر به خوبی واقف بوده است؛ چراکه مسجدی با بزرگترین ایوان جهان، بلندترین محراب جهان و به احتمال فراوان بلندترین مناره‌ها - که در اثر زلزله فرو ریخته است - نمیتوانسته خود را بی نیاز از یک گنبد عظیم درخور سایر اجزای ساختمان ببیند.

حال موقعیت قرارگیری مناره‌ها به جز مینیاتور مطرحی قابل توضیح نخواهد بود. در تصویر مطرحی، به نظر میرسد ساقه‌ی مناره‌ها تا ارتفاع مشخصی در اثر زلزله افتاده است، بدین ترتیب مناره‌هایی با ساقه‌ای افتاده با ترسیمات شاردن همخوانی خواهد داشت. هرچند توصیفات نادر میرزا در رابطه با ساختار مسجد مزبور مبنی بر وجود تاق و گنبدی که در اثر اجرای سریع شکسته‌اند در اولین نگاه غریب و ناملموس مینماید؛ با این حال، بنایی که با موقعیت ترسیمی مطرحی به لحاظ مکانی در بافت امروزی تبریز با مسجد علیشاه منطبق می باشد، حجمی است، با ایوانی رفیع و گنبدی بر فراز آن. با این که پوشش ایوان و گنبد در مرحله‌ی اجرا شکسته و فرو نشسته بود (نادر میرزا، ۱۳۵۱، ۱۰۵)، با توجه به مینیاتور مطرحی، دو احتمال قابل بررسی خواهد بود: اول اینکه احتمالاً گنبد و ساختا کلی بنا پیرامون قرن دهم ق. مرمت و احیا شده بود و دوم،



تصویر F-جانمایی عناصر شهری موجود در نقشه‌ی مطرحی و موقعیت امروزی آنها در بافت شهری امروزی تبریز. (A) غازانیه، (B) میدان و مجموعه صاحب آباد؛ (C) مسجد مظفریه؛ (D) مسجد علیشاه

آنها می باشد. دو ورودی در دو طرف برج میانی حصار در نمای اصلی به چشم میخورد؛ و این دو دروازه با توصیفات بازرگان ونیزی مبنی بر اینکه مسجد سه در دارد که تنها دو تای آنها مورد استفاده

مینیاتور ترسیمی توسط مطرحی، شامل محوطه‌ای محصور با دیوارهای کنگره‌دار و دومناره در جوانب نمای اصلی محدوده محصور میباشد. قطر مناره‌ها - که به نظر شکسته اند- حاکی از ارتفاع بسیار زیاد



ستون تنها در صورتی قابل قبول خواهد بود که اندیشه انتقال نیرویی از پوشش سقف بر پی مطرح شود، در همین راستا نیاز به طاق‌بندی در فضای کلی آن احساس نمیشده است، زیرا مسئله‌ی پوشش سقف برای معمار به طریق طاق‌آهنگ یکنواخت، موضوعی حل شده بوده است؛ به عبارتی با هدف ایجاد پوشش آهنگ به صورت سرتاسری عنصر ستون در فضای زیرین آن بی‌معنی خواهد بود. هرچند ابن بطوطه به وجود دو کاربری جانبی خانقاه و مدرسه در مجاورت بنا اشاره کرده است، با این حال در تصویر مطرقچی هیچ نشانی از آن دو وجود ندارد^۲، از طرفی چون ساختار بنا در یک محور طولی شمالی جنوبی طراحی شده است، به نظر میرسد برخلاف بازآفرینی ویلبر که خانقاه و مدرسه را به صورت شرقی-غربی در نظر گرفته است، بناهای مورد نظر به صورت شمالی-جنوبی و در راستای محور اصلی بنا شکل گرفته‌اند و ارتباط بنای اصلی با این دو کاربری از طریق درگاه‌های B و H میسر میگشته است^۳. نیروی رانش گنبدی در آن مقیاس توسط نیم ستون F در بخش جنوب گنبدخانه مهار میشده است و یکی از دلایل محتوم رانش گنبد و تاق، نبود همتای مشابه نیم ستون مزبور در ضلع مقابل بوده است. اینکه بعدها در تصویر شاردن، بخش فروریخته در فضای الحاقی D، قسمت شمالی ایوان الحاقی میباید نه قسمت متکی به نیم ستون جنوبی خود دلیلی بر این مدعاست (تصویر ۵).

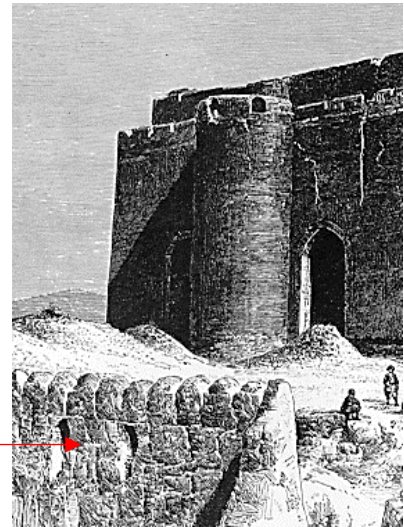
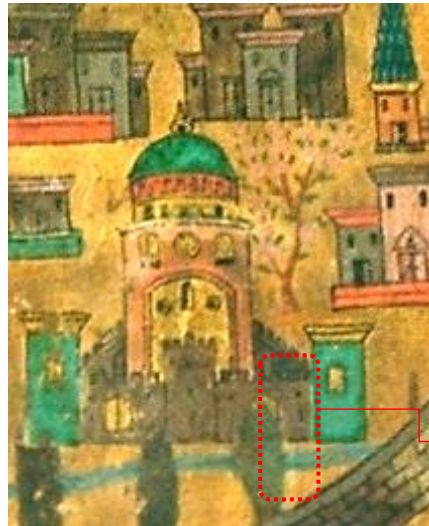
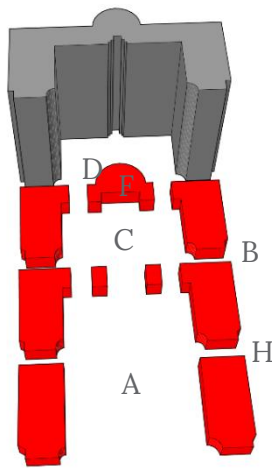
و دارای تاق هستند (ویلبر، ۱۳۶۵: ۱۶۱) منطبق خواهد بود. تصویر ترسیمی توسط مطرقچی در یک پرسپکتیو تک نقطه‌ای نسبت به سایر اجزا، آغاز و در میانه به کالبد مسجد علیشاه ختم میشود. همچنانکه ذکر آن رفت دیالافوآ وضعیت بنا را در میان میدانی بزرگ وصف کرده است (دیالافوآ، ۱۳۴۸، ۵۵)؛ چنین به نظر میرسد، پس از تخریب تدریجی فضاهای جانبی مسجد علیشاه، فضای حجره‌های اطراف که جهانگرد ونیزی آن را توصیف کرده است (ویلبر، ۱۴۶۵، ۱۶۰)، از میان رفته و سازه‌ی اصلی به صورت یک فرم مجرد در میانه باقی مانده است. در تصویر مطرقچی، در کنار در اصلی مسجد جوئی جریان دارد که با توصیفات جهانگرد ونیزی در تأیید موقعیت مسجد علیشاه تطابق دارد (همان)؛ پس از عبور از دروازه- مطابق توصیفات جهانگردان- حوض مربعی با آب فشانی هشت گوش نمایان بود و از همین نقطه منظره‌ی ایوان اصلی (نخستین فضای سرپوشیده A) قابل مشاهده بوده است (ونیزیان، ۱۳۴۲: ۵۴). در رابطه با پلان معماری بنا، مسیرگردش در بنای علیشاه پس از گذر از فضای مزبور، وارد محدوده‌ی C شده- که محل گنبدخانه‌ی فروریخته‌ای بوده است که نادر میرزا از آن سخن به میان آورده^۱- و بعدها در فاصله زمانی نه چندان دور به قسمت D که ناحیه‌ی الحاقاتی برای توسعه‌ی هرچه بیشتر بنا بوده است ختم میشد (منصوری و آجورلو، ۱۳۸۲). بنظر میرسد، وجود ستون‌های قطوری به قطر نزدیک به ۵ متر در فضای گنبدخانه با اندیشه‌ی ایجاد گنبد بر فراز آنها مرتبط بوده است؛ چرا که چالش معمار برای ایجاد عنصر باربر

از این رو چنین به نظر میرسد بقایای گوشه سازی ها و یا داغ آن ها را دیده است.

^۲ - احتمال دارد در مقایسه با حجم عظیم بنا، همچنین ارتفاع حصار کنگره دار، مدرسه و خانقاه نادیده گرفته شده اند.

^۳ - امکان داشته دو کاربری جانبی خانقاه و مدرسه تا انتهای دیوار قبله امتداد داشته اند.

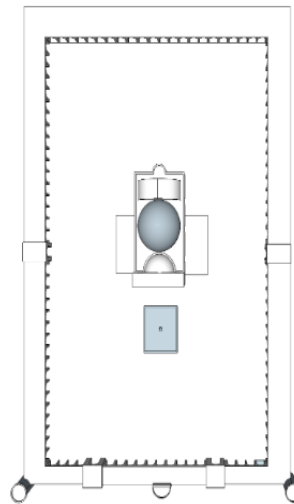
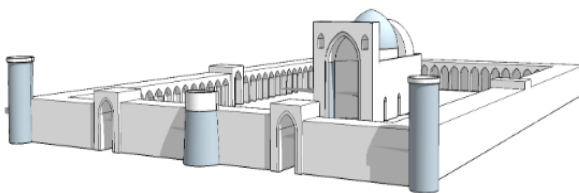
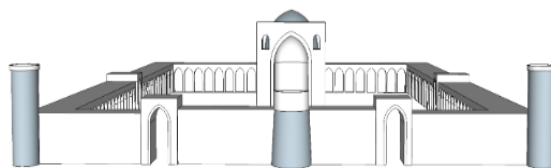
^۱ - نادر میرزا جزو معدود افرادی است که گزارشات بسیار دقیقی از ابنیه آذربایجان ارائه داده است. از عمده تمایزاتی که بین گزارشات وی و دیگران میتوان دید، بررسی همه جانبه وی از ابعاد مختلف بناهای تاریخی ضمن مطالعه ی گزارشات قبل از خود وی میباشد. هرچند بخش عمده ای از بنا در زمان شاردن فروریخته بود با این حال به نظر میرسد نادر میرزا موقعیت بررسی مسجد علیشاه را از بالای بقایای معماری داشته است.



تصویر ۵- راست: بخشی از حصار کنگره دار پیرامون مسجد عیشاه که با حصار موجود در تصویر مطرقچی در پیرامون مسجد عیشاه منطبق می‌باشد.

مطابق شواهد باستان‌شناسی. بازخوانی نقشه از طرح منصوری و آجورلو (منصوری و آجورلو، ۱۳۸۲).

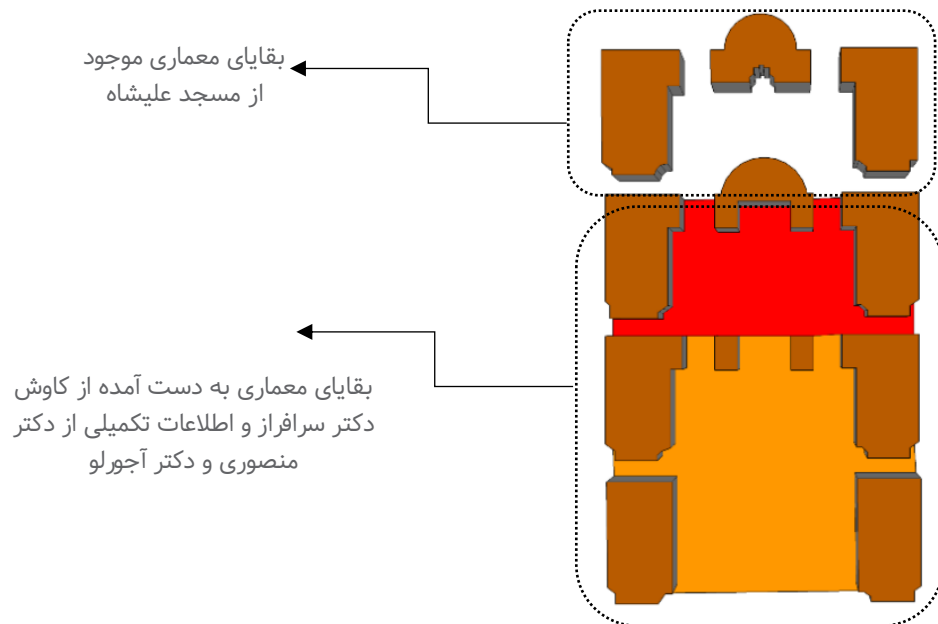
وسط: طرح مطرقچی از مسجد عیشاه (مطرقچی، ۱۳۷۹: ۸۹). چپ: سازمان فضایی مسجد عیشاه



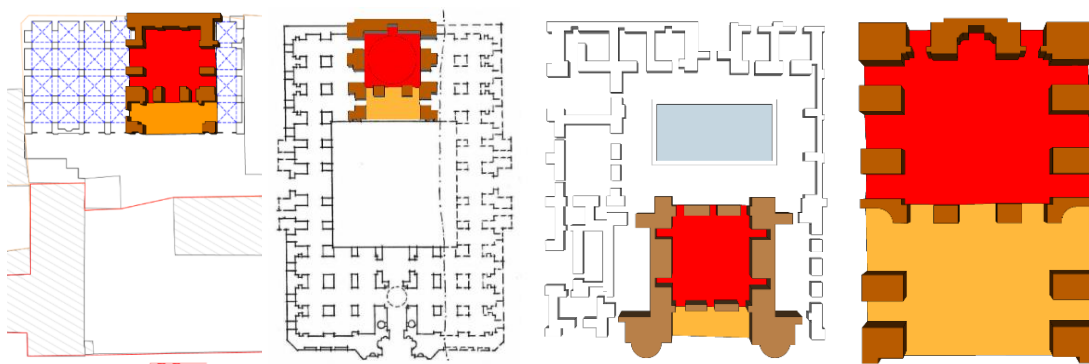
تصویر ۶- طرح فرضی مسجد عیشاه بر اساس کاوش دکتر سرفراز، اسناد تاریخی و مینیاتور مطرقچی (نگارندگان)

بناهای ایجاد شده طی دوره ایلخانی، حضور گنبد جزء لاینفک بناها بوده است؛ در همین راستا و طبق شواهد باستان‌شناختی موجود، آنچه در رابطه با ساختار بنای علیشاه- شامل تاق آهنگ سر تا سر- مفروض است، در حوزه فرهنگی ایران به هیچ عنوان مصداق خارجی ندارد.

در رابطه با ساختار معماری مسجد علیشاه (تصویر ۷)، ترکیب فضایی ایوان و گنبدخانه، یادآور نمونه بناهای ایلخانی از جمله مسجد استاد و شاگرد در تبریز، مسجد جامع ورامین، بقعه شیخ شهاب الدین اهری و مسجد ازیران اصفهان خواهد بود (تصویر ۸). نکته جالب توجه اینکه در سلسله



تصویر ۷- ساختار فضایی مسجد علیشاه تبریز به گونه ای که ایوان (نارنجی) در ترکیب با گنبدخانه (قرمز) شکل گرفته است.



تصویر ۸- ترکیب مشابه ایوان (نارنجی) و گنبدخانه (قرمز) در ساختار فضایی نمونه های مشابه ایلخانی



از راست به چپ: مسجد اذیران اصفهان؛ آرامگاه شیخ شهاب الدین اهری، مسجد جامع ورامین، مسجد استاد و شاگرد.

۴ بحث و نتیجه گیری:

بازشناسی سیمای معماری بنای علیشاه همواره یکی از بحث برانگیزترین موضوعات معماری اسلامی بوده است؛ هرچند، قبل از کاوش محوطه‌ی مزبور توسط دکتر سرفراز، پوپ، ویلبر و غیاثی با تأکید بر کاربری "مسجد" بودن بنای علیشاه اقدام به ارائه‌ی طرح فرضی بنای مورد نظر کرده‌اند، با این حال عدم انطباق دست‌آوردهای ایشان با یافته‌های کاوش دکتر سرفراز، منجر شده است تا ساختار فضایی بنای مورد نظر، از جمله موقعیت مناره‌ها، ورودی‌ها، حجره‌های پیرامون و... با ابهامات جدی مواجه شود.

هرچند مطابق تحقیقات ارزشمند منصوری و آجورلو، پیشنهاد کاربری آرامگاه برای بنای علیشاه مطرح شده است؛ با این حال عدم وجود سردابه (دخمه) و اتاق بالای آن که مطابق توضیحات هیلن براند، به طور متقاعد کننده‌ای به مفهوم ترجمان رسم موجود در میان چادر نشینان آسیای میانه می‌باشد که به واژگان معماری برگردانده شده است، کاربری آرامگاهی بنا را تحت الشعاع قرار خواهد داد (هیلن براند، ۱۳۹۱: ۲۵۷). چراکه در رابطه با اجدا ایلخانان، به نظر میرسد نخست جسد را در یک چادر تدفین در معرض دید همگان قرار میدادند و دسته عزاداران بدور آن میگردیدند سپس جسد را در تپه‌ای به نام کورگان به خاک میسپردند (Новосельцев, 1990: 264). بناهای آرامگاهی دارای دخمه‌هایی بوده‌اند که جسد را احاطه میکرد و برفراز آنها اطاقی خالی قرار داشت به گونه‌ای که این ساختار به عنوان یک نوع معماری ترکیبی از مراسم تدفین تعبیر شده است

(Руденко, 1953: 404). اگر صحت این فرضیه اثبات شود، انتساب ترکیب فضای تدفینی از نظر معماری در بنای علیشاه به طرز تدفین مغولی نادرست خواهد بود، زیرا در اینصورت ترکیب فضای زیر گنبد- محل برگزاری مرحله اول آئین سوگواری و مراسم مشایعت و محل سردابه یا دخمه- به عنوان دخمه‌های تدفین و فضای تربت خانه دقیقاً به مثابه فضای خالی برفراز دخمه تدفین وجود نخواهد داشت (8: 1964, Калоев). در همین راستا کلیه مقابر تدفینی قبل از بنای علیشاه، از جمله سلطانیه، غازانیه، مقابر تدفینی مراغه و... همگی دارای ترکیب فضایی دخمه و فضای زیر گنبدخانه می‌باشند.

مطابق توصیفات شاردن، ونیزیان، کاری و دیالافوآ، موقعیت مکانی بنایی که در تصویر مطراقچی در جنوب شرقی شهر تبریز و در کنار بارو قرار دارد، با موقعیت "مسجد علیشاه" منطبق می‌باشد. از طرفی، مطابق توضیحات نادر میرزا، شواهد معماری به دست آمده از کاوش دکتر سرفراز، همچنین مینیاتور مطرقچی، به جهت تعریف کالبد مسجد، گنبدخانه‌ی عظیمی در پشت ایوان مسجد علیشاه قرار داشته است. پرواضح است، پوشش تاق آهنگ صرف در مسجد علیشاه نمیتوانسته در تکمیل مایحتاج معماری گونه‌ی مسجد کافی باشد؛ در همین راستا، بنای علیشاه ضمن اشاره مستقیم متون تاریخی، مسجدی بوده است با دومناره‌ی رفیع در اضلاع محوطه‌ی محصور مسجد، گنبدخانه، محراب و تاق مرتفعی که بخشی از فضای درونی آن را پوشش میداده است؛ پلان آن شامل ایوانی مرتفعی در وردی بنا بوده است که امکان دسترسی به گنبدخانه از طریق آن میسر میگشته است و چنین ترکیب بندی در ارائه پلان با نمونه های مشابه ایلخانی قابل تطبیق میباشد.



منابع فارسی:

منصوری، سید امیر و آجورلو بهرام. (۱۳۸۲) بازشناسی ارک عیشاه تبریز و کاربرد اصلی آن، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۶، زمستان ۱۳۸۲. صفحات ۵۷-۶۸.

نادر میرزا. (۱۳۵۱)، تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه تبریز. تهران: انتشارات اقبال.

ونیزیان، سفرنامه ونیزیان در ایران (۱۳۴۲). ترجمه منوچهر امیری، تهران، انتشارات خوارزمی.

ویلبر، دونالد، ن. (۱۳۶۵). معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، ترجمه عبدالله فریار، تهران: شرشرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

هیلن براند، رابرت (۱۳۹۱). معماری اسلامی، ترجمه باقر آیت الله زاده شیرازی، تهران: انتشارات روزنه.

آجورلو، بهرام و بابایلو، علی نعمتی. (۱۳۹۲). حذف هویت قاجاری ارک عیشاه تبریز با مرمت به شیوه پاک سازی سبکی. نشریه باغ نظر، سال دهم، شماره ۲۷، صفحات ۳۸-۲۷.

دیالافوآ. (۱۳۴۸) سفرنامه دیالافوآ، ترجمه همایون سابق، تهران: انتشارات خیام.

عمرانی، بهروز و اسمعیلی سنگری، حسین، بافت تاریخی شهر تبریز. (۱۳۸۵). تهران: انتشارات سمیرا.

کارری، جیووانی فرانچسکا، سفرنامه کارری، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، تبریز، اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی، ۱۳۴۸.

مطراقچی، نصوح (۱۳۷۹). بیان منازل، ترجمه: رحیم رئیس نیا، تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.

منابع انگلیسی:

Grupico, Theresa. (2011), "The Dome in Christian and Islamic Sacred Architecture" lecturer, Department of Art and Design, Monmouth University, West Long, Branch, NJ.

Pope, A.U. Persian Architecture, Pahlavy University Press, 1969.

Qiyasi, C; Yaxin Uzag Ellada; Isiq Nasriyati: Baki, 1985.

Snyder, J. Medieval Art: Painting-Sculpture-Architecture 4th-14th Century. 1989. Upper Saddle River, N. J. Prentice Hall, Inc. pp.201.

منابع روسی:

антропологических и, Калоев, Б. А., (1964) Обряд посвящения коня у осетин. VII. международный конгресс

время. Москва-Ленинград: АН СССР, Руденко С. И., (1953), Культура населения Горного Алтая в скифское

Новосельцев, А. П., (1990), Хазарское государство и его роль в истории Восточной Европы и Кавказа. Москва: Наука